



حضرت زهرا(س) در «خطبه عیادت» به تبیین ویژگی های حکومت علوی پرداخت

حضرت زهرا(س) در خطبه عیادت به تبیین شرایط موجود، پیش‌بینی آینده‌ای ناخوشایند برای مسلمانان، ویژگی‌های حکومت علوی، ضعف فکری و اختلاف نظرهای مردم، مسؤولیت مردم در برابر فساد حکومت می‌پردازد.

حضرت زهرا(س) در خطبه عیادت به تبیین شرایط موجود، پیش‌بینی آینده‌ای ناخوشایند برای مسلمانان، ویژگی‌های حکومت علوی، ضعف فکری و اختلاف نظرهای مردم، مسؤولیت مردم در برابر فساد حکومت می‌پردازد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه- زینب حسینی روش: امروز بیستم جمادی الثانی سالروز میلاد باسعادت بانوی دو عالم حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها است. حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر اعظم (ص) کوثر فیض بخشی است که خداوند متعال به وجود او، شمانت دشمنان پیامبر را که آن حضرت را بی نسل و فرزند توصیف می‌کردند، پاسخ داده و سوره کوثر را نازل فرموده است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» سرور زنان عالم، نزد پیامبر (ص) جایگاه والایی داشت، تا آنجا که درباره او فرمود: «فاطمة بضعه می‌تی، قمن اغضبها فقد اغضبنی»؛ فاطمه پاره تن من است، هر که او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.

خطبه حضرت صدیقه طاهره (س) در جمع زنان مدینه یا خطبه عیادت سخنان حضرت زهرا (س) دختر پیامبر (ص) در جمع زنان مدینه، در اعتراض به غصب خلافت است. این سخنان در ترسیم وضعیت موجود پس از رحلت پیامبر (ص)، هشدار نسبت به آینده جامعه اسلامی و فصاحت و بلاغت دارای اهمیت دانسته شده است. بر همین اساس با محمد مهدی جعفری مفسر نهج البلاغه به گفت و گو پرداختیم که حاصل آن در ادامه تقدیم می‌شود:

حضرت زهرا(س) در «خطبه عیادت» به تبیین ویژگی های حکومت علوی پرداخت

محمد مهدی جعفری پژوهشگر دینی و مفسر نهج البلاغه در گفت و گو با خبرنگار مهر گفت: حضرت فاطمه (س) در خطبه عیادت ضمن اعلام برائت از پیمان شکنان و نکوهش مردم دنباله رو، تصویری از بی وفایی آنان ترسیم می‌کند و در چند محور به تبیین شرایط موجود، پیش‌بینی آینده‌ای ناخوشایند برای مسلمانان، ویژگی‌های حکومت علوی، ضعف فکری و اختلاف نظر مردم مدینه، مسؤولیت مردم در برابر فساد حکومت و ترسیم چهره سقیفه می‌پردازد. آن حضرت در این خطبه به چند آیه قرآن از جمله آیه ۸۰ سوره مائده درباره عاقبت پیروی از هوا و هوس، ۹۶ سوره اعراف و ۵۱ سوره زمر درباره ملامت کسانی که از حق پیروی نمی‌کنند و ۲۵ سوره یونس درباره انسان‌های شایسته رهبری نیز استناد می‌کند.

وی افزود: حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر خدا وقتی دید عده‌ای دنیاپرست و قدرت طلب در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و جانشینی رسول خدا را که حق مسلم امیرمومنان حضرت علی بود را ربودند و به دست ناهلان سپردند بسیار برآشفته، آن هم نه برای اینکه حق همسر ایشان از بین رفته است بلکه به این دلیل ناراحت شدند که مسیر اسلام با این اقدام منحرف شده بود. از این رو حضرت به مسجد رفتند و خطبه‌ای ایراد فرمودند که به خطبه فدکیه مشهور است.

جعفری ادامه داد: آنان علاوه بر اینکه خلافت را از بین بردند فدک را که هدیه و صلح خاص رسول خدا به حضرت فاطمه زهرا بود به این بهانه که رسول خدا فرموده است انبیا ارث نمی‌گذارند را نیز غصب کردند. با وجود اختلافی که در این حدیث و مفهوم آن وجود دارد حتی اگر این برداشت از کلام رسول الله درست باشد فدک یک هدیه بود و ارث نبود. بعد از این جریان بود که حضرت زهرا به سفارش امام علی به منظور حفظ وحدت مسلمانان اعتراضی نکردند.

مفسر نهج البلاغه اضافه کرد: بعد از مدتی حضرت زهرا بیمار شدند و زنان مهاجر و انصار به عیادت حضرت آمدند و جویای حال ایشان شدند برای همین خطاب به حضرت گفتند: ای دختر رسول خدا از این بیماری چگونه شب را به بامداد می‌رسانی؛ این بانوی عظیم‌الشان به جای اینکه به آنان یک پاسخ معمولی بدهند و از احوال خویش صحبت داشته باشند بعد از حمد و ستایش پروردگار و صلوات بر رسول خدا فرمودند سوگند به الله در حالی این شب‌های تیره پایمال کردن حق را به بامداد می‌رسانم که از دنیای شما نفرت دارم و با کینه و خشم از مردانتان بیزار می‌جویم.

جعفری عنوان کرد: منظور حضرت از این سخن آن است که یعنی از کسانی که خلافت را به افراد ناهل سپردند از روی دنیا پرستی بود و من از چنین دنیایی و قدرتی بسیار متنفر هستم و با کینه و خشم از مردان شما که مهاجر و انصار بودند بیزار هستم. مهاجر و انصار کسانی بودند که در زمان رسول خدا در مکه و مدینه فداکاری‌ها انجام داده و در راه اسلام شهدا داده بودند و ایثار و تلاش‌های فراوان داشتند اما الان بر سر قدرت با یکدیگر می‌جنگند برای همین می‌فرماید از اینکه از روحیه

صفاتی خوبی که داشته اند برگشته اند و چنین تغییر کرده اند بیزار هستم.

وی افزود: انسان بر اصولی که به آن معتقد است باید ایستادگی کند و بر ایمانش همیشه یکسان باشد. حضرت می فرمایند چه زشت است شمشیر تیزی که به هنگام مناسب برای بریدن کند شود؛ یعنی افرادی که موقع شناس نیستند و در آنجا که باید با عزم و استوار و آهنگی پایدار از حق دفاع کنند سکوت می کنند و اقدامی نمی کنند از این رو به شمشیری توصیف می شوند که هنگام جنگیدن کند می شود.

این مفسر نهج البلاغه اضافه کرد: حضرت همچنین فرمودند چقدر زشت است بازی گری و به خود نجنبیدن بعد از آن همه تلاش و جدیت. آن مردان بعد از آن همه تلاش و جدیتی که در دوران رسول خدا و برای خدا و حفظ اسلام و وحدت مسلمانان انجام دادند در حال حاضر همان ها به افراد بازیگری تبدیل شده اند که یک جا نشسته اند و سکوت پیشه کردند. کوبیدن بر سنگ خارا و شکاف برداشتن سر نیزه و نگرش های اشتباه و لغزش هایی در خواسته ها؛ این صفات و حالات مردان شما است. و چه بد چیزی است آنچه مردان با نفس پرستی برای آینده خود پیش فرستادند که آن چیز خشم خداست بر آنان و گرفتاری در عذابی جاودان؛ آنان با سکوتشان و یاری افراد ناهل و ربودن حق مسلم امام علی همه از روی نفس پرستی بوده است. در واقع چیزی است که برای آینده خودشان در این جهان و آن جهان پیش فرستاده اند و آن توشه خشم خدا است که با این اقدام علیه خودشان انجام داده اند. قطعاً آنان در عذابی جاویدان خواهند بود.

جعفری ادامه داد: حضرت می فرماید ریسمان گناه همکاری کردن با حاکمان ناشایست و ستمگر را به گردن خود افکنم و سنگینی مسؤولیت آن را بر آنان بار کردم و باران تاخت و تازهای آینده چنین اقدام ناشایست را بر سر و رویشان پاشیدم؛ مراد آن است که اهل سقیفه و مهاجر و انصار مسؤولیت این اشتباه و گناه را باید بپذیرند و این گونه نیست که اگر سکوت پیشه کنند و هیچ اقدامی انجام ندهند بگویند ما وظیفه خود را انجام داده ایم؛ خیر چنین نیست! چرا که در آینده این اقدام عوارض خواهد داشت و فرجام ها و سرانجام هایی دارد که عذاب برای خودشان و نارضایتی و گرفتاری برای مردم است.

وی افزود: پس هلاکت و جراحت و دوری از رحمت خدا بهره ستمگران است این سخن اشاره به آیات قرآن کریم دارد که حضرت می فرمایند وای بر آنان که جانیشینی را از پایگاه های استوار رسالت و پایه های نبوت و راهنمایی و فرودگاه جبرئیل امین و کارآزموده که شایسته ترین فرد در امور دنیا و دین جدا ساختند. حضرت در این بیان اشاره به آیه ۱۵ سوره زمر دارد. همچنین می فرماید بدانید این زیان آشکار است؛ طبق آیات قرآن کریم خسارتی برای همه محسوب می شود. حضرت به جمع فرمودند چه انگیزه ای باعث شد که با ابوالحسن انتقام جویانه برخورد کنید در حالی که شمشیر بزرگ او در رویارویی با نابایسته ها و ناشایسته ها بود. نرسیدن از مرگ، داشتن گام استوار در برابر باطل، سرکوب دشمنان مردم در نبردها، خشونت و سازش ناپذیری در راه خدا باعث شد که از ایشان انتقام بگیرید؟ او را از حق خودش و مردم را از شایسته ترین فرد محروم کنید؟ علت اینکه آنان چنین کردند به دلیل کینه ای بود که از گذشته و از دوران جاهلیت و صدر اسلام از امام علی (ع) داشتند چرا که حضرت در دوران پیامبر اکرم با مشرکین جنگید و اهل سقیفه بازماندگان آنان بودند که می خواستند انتقام آن روزها را از ایشان بگیرند.

این مفسر نهج البلاغه ادامه داد: حضرت در ادامه فرمودند اما به خدا سوگند اگر او زمام خلافت را به دست می گرفت اگر کسی از راه آشکار حق منحرف و از پذیرش دلایل روشن آن جدا می شد با گفتاری نرم و قانع کننده و با روشی انسانی و جذب کننده فرد را به راه حق بر می گردانید؛ مقصود حضرت در این کلام است که حضرت برای حفظ وحدت مسلمانان راه مبارزه خشونت آمیز را در پیش نمی گرفت بلکه برای هدایت گمراهان و کسانی که واقعاً به دلیل ندانستن از حضرت جدا شدند با استدلال و گفتاری نرم و قانع کننده آنها را به راه حق باز می گرداند و آنها را وادار می کرد که بار مسؤولیت حق را بر دوش بگیرند این گونه نبود که با خشونت رفتار کنند و مردم را با شیوه ای نرم و آسان به حرکت در می آورد. به گونه ای که نه مردم در حرکت خود به سوی یک زندگی نیک فرجام انسانی صدمه ای ببینند و نه در این راهپیمایی به سوی اهداف والای انسانی به ستوه آیند. و نه رهبر و زمامدار از پیگیری این تلاش ها به خستگی و ناامیدی دچار شود؛ بنابراین این روش روشی است که یک انسان مؤمن می داند چه هدف والایی دارد و انسان ها را باید به تعالی و تکامل برساند برای همین این روش را در پیش می گیرد و مردم را طوری پیش می برد که به هیچ وجه احساس خستگی نکنند و از پای در نیایند.

وی گفت: اگر حق به حضرت امیر می رسید مردم را بر سر چشمه ای می برد که با آبی گوارا و زلال سیراب شوند و کران تا کران سرشار از آبی پاک بدون هیچ گل و لای می شدند؛ مقصود حضرت در این کلام آن است که مردم را به یک زندگی انسانی راهنمایی می کرد که هم دنیای آنان آباد و هم دینشان محفوظ بماند. حضرت ادامه می دهد سیراب از آن آبشخور زندگی بخش بیرون می آورد و پیوسته در نهان و آشکار با خیرخواهی مردم را به راه درست راهنمایی می کرد بی آنکه از ثروت جامعه بخواهد برای خود سودی بر گیرد و از این جهان پر سود مردم بهره ای ببرد مگر نوشیدن اندکی آب؛ حضرت در اینجا اشاره به همان روش امیرمومنان می کند. همان روشی که حضرت وقتی بعد از ۲۵ سال به خلافت رسید خواست مردم را با خیرخواهی به راه راست راهنمایی کند بدون اینکه ثروت جامعه را بخواهد. حضرت نه اهل قدرت طلبی بود و نه ثروت اندوزی بلکه با اندک بهره ای از این

جهان زندگی می کرد ولی همه منافع و ثروت هنگفت جامعه را در اختیار مردم می گذاشت.

جعفری بیان کرد: امام علی نسبت به مقام و هم نسبت به قدرت بی رغبت بود اما در مقابل کسانی بودند که قدرت طلب و قدرت پرست محسوب می شدند؛ حضرت در بخشی از این کلام به آیه ۹۶ سوره اعراف استناد می کند که خداوند متعال می فرماید اگر مردم آبادی و شهرها ایمان می آوردند و پروای خداوند را داشتند بی گمان برکت هایی از فراز سرشان و زیر پایشان برای آنها فرود می آمد اما حقیقت را دروغ دانستید و در برابر دستاورد ناسپاسی ها و نادیده گرفتن حقایق شناخته شده گرفتار عذاب خواهید شد. حضرت در این کلام آینده مردم را برای زنان مهاجر و انصار ترسیم کردند.

این مفسر نهج البلاغه در پایان گفت: حضرت در ادامه به زنان مهاجر و انصار می فرماید جلوتر بیایید و سراسر گوش شوید تا زنده هستید روزگار شگفتی به شما نشان می دهد ای کاش می دانستند به چه تکیه گاهی تکیه زده اید، به چه ستونی پشت کردید، به چه دستگیره ای چنگ زدید، علیه چه فرزندان برخاستید و کمر به نابودی آنان بستید و چه بد سرپرستی و چه بد بدهکارانی و چه آینده ای در انتظار ستمکاران خواهد بود. بشارت باد شما را به شمشیری برنده به تجاوز کاری و هرج و مرج، خودکامگی ستمگران یک دنده، ستمگر خودکامه ای که ثروت و دارایی شما را در راه هوس ها و برنامه های خود برآید و جز اندکی برای شما باقی نگذارد. جمعیت متحد شما را درو کند و پراکنده سازد. افسوس و دریغ باشد شما را که در کدام سوی این جهان ایستاده اید راه روشن حق و حقیقت بر شما بسته شده است.